

معرفی نُسخ دست‌نویس

دشت گرگان در منشآت فرهادمیرزا معتمدالدوله

بازتاب نام‌های سرزمین گرگان و دشت در متون تاریخی



■ **مریم محمد شفیق**
مدیر مرکز اسناد و مدارک تاریخی
مؤسسه فرهنگی میرداماد

■ چکیده

فرهادمیرزا معتمدالدوله، شاهزاده‌ی دولتمرد و ادیب دوره قاجار، در لشکرکشی محمدشاه قاجار به دشت گرگان، به سال ۱۲۵۲ق، حضور داشته است؛ این اردوکشی به منظور قلع و قمع گردنکشان و مخالفان سلطنت محمدشاه قاجار صورت گرفت و در نتیجه با سرکوب مخالفان همراه بود. بنابراین، به هم آمیختن دو وجهه‌ی نظامی-حکومتی و نیز فرهنگی-ادبی معتمدالدوله، موجب شده اولاً در این لشکرکشی حضور داشته باشد و ثانیاً در زمان توقف اردو در دشت گرگان، متونی از نثر و نظم را به رشته تحریر درآورد، که هم به عنوان نمونه‌هایی از مکتوبات منثور و منظوم دوره قاجار جایز اهمیت هستند و هم نمونه‌هایی از نثر و نظم مکلف و مقید به پارسی‌گویی در دوره قاجار به‌شمار روند. باتوجه به این‌که محل تولید و تولد این آثار سرزمین گرگان بوده و خود نیز بخشی از تاریخ دوره قاجار محسوب می‌شود، به عنوان یک منبع کمتر دیده شده، در یادداشت پیش‌رو معرفی خواهد شد.

واژگان کلیدی: فرهادمیرزا- معتمدالدوله- منشآت- دشت‌گرگان- گرگان‌زمین- گنبد قابوس- چمن‌کالپوش- محمدشاه قاجار- لشکرکشی به گرگان.

■ مقدمه

فرهادمیرزا قاجار (۱۳۰۵-۱۲۳۳ق)، ملقب به «معمدالدوله» فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه و عموی ناصرالدین شاه قاجار، از دولتمردان و ادبای عصر قاجار، که در زمان سلطنت برادرش محمدشاه قاجار، به عنوان نایب‌الایاله به حکومت ولایات و ایالات مختلف هم‌چون لرستان، شیراز، طالقان، خوزستان، کردستان، همدان و... منصوب شده و به همین واسطه، پیش از آن‌که به «معمدالدوله» ملقب شود، به «نایب‌الایاله» مشهور بود. در سال ۱۲۹۰ق که ناصرالدین شاه عازم سفر فرنگ بود، نیابت سلطنت را به کامران میرزا سپرده و اداره امور دربار و پایتخت را با تفویض اختیارات تامه، به فرهادمیرزا واگذار کرد و پس از بازگشت شاه از سفر فرنگ، مجدداً به حکومت کردستان بازگشت. به استناد اسناد و مکاتبات برجای مانده از فرهادمیرزا، وی در حدود سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۶ والی ولایات فارس و بنادر جنوب و مجدداً در سال ۱۲۹۸ والی کردستان بوده است. فرهادمیرزا پانزدهمین پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه بود و مادرش، فصل بهارخانم نام داشت، که احتمالاً آرمنی یا گرجی بود. پنج فرزند از فرهادمیرزا شناخته شده است، که عبارتند از: مهرماه خانم عصمت‌السلطنه، حرمت‌الدوله، شمس‌الدوله، سلطان اویس میرزا و عبدالعلی میرزا. فرهادمیرزا علاوه بر وجهه‌ی سیاسی و حکومتی، اهل شعر و ادب بود و دستی بر قلم نیز داشت. از آثار شناخته شده فرهادمیرزا می‌توان به کتاب‌های: ۱- مَقام‌الزَّخَّار و صمصام‌البَثَّار در احوالات مولی‌الکونین ابی‌عبدالله الحسین ۲- هدایت‌السبیل و کفایت‌الدلیل (سفرنامه مکه و مدینه) ۳- جام جم (ترجمه جغرافیای جهان، تألیف ویلیام بیناک) ۴- زنبیل (سفینه‌ای از موضوعات متنوع به تقلید از کشکول شیخ بهائی) ۵- کنزالحساب (ترجمه خلاصه‌الحساب شیخ بهائی) ۶- نصاب انگلیسی (در آموزش ساده و مقدماتی لغات انگلیسی) ۷- دیوان اشعار ۸- منشآت (مجموعه مکاتبات).

همگی آثار شناخته شده از فرهادمیرزا، تاکنون حداقل یک‌بار منتشر شده و البته برخی از آثار او چندین بار به چاپ رسیده است. یکی از مشهورترین و ارزشمندترین آثار ادبی فرهادمیرزا، منشآت اوست، که نسخه‌های دست‌نویس متعددی از آن در کتابخانه‌های سراسر ایران و سایر کشورهای دنیا موجود است. منشآت فرهادمیرزا مشتمل است بر مکاتبات مکلف و بعضاً مفصل فرهادمیرزا معتمدالدوله به رجال و صاحب‌منصبان هم‌عصر خود (در دوره قاجار)، که حدوداً شامل چهل وهفت مکتوب می‌باشد، که در عنوان هر مکتوب نام مخاطب و بعضاً محل و تاریخ کتابت نیز آمده است.

فرهادمیرزا به مجموعه‌های منشآت ماقبل خود توجه و علاقه داشته و ظاهراً در آن‌ها غور می‌کرده است. از نشانه‌های علاقه و توجه فرهادمیرزا به منشآت نویسی، تلاش او تهیه نخستین نسخه چاپی از منشآت قائم‌مقام فراهانی است، چنان‌که با تلاش‌های وی منشآت قائم‌مقام برای نخستین بار در سال ۱۲۸۰ق به صورت چاپ‌سنگی منتشر شد. بنابراین فرهادمیرزا گاهی در نگاشتن مکتوبات خود به این موضوع توجه داشته و در زمان فراغت، مکتوبات خود را به سبک ادبی مکلف می‌نوشته و در نهایت احتمالاً خودش



گزیده‌ای از این مکتوبات را به صورت مجموعه منشآت تدوین کرده است. ظاهراً منشآت فرهادمیرزا نخستین بار به کوشش و تصحیح و تحشیه فرصت‌الدوله شیرازی و با خط میرزا علی‌نقی ابن میرزایوسف شیرازی، در سال ۱۳۱۸ق در مطبعه ناصری بمبئی (هندوستان) به صورت چاپ‌سنگی چاپ و منتشر شده و همین نسخه نیز چندین بار دیگر تجدید چاپ گردیده که از آن جمله نسخه چاپ سال ۱۳۲۱ بمبئی است. در سال ۱۳۶۹ منشآت فرهادمیرزا به تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد توسط انتشارات علمی منتشر شد. در سال ۱۳۸۳ نیز اسماعیل نواب صفا تصحیح دیگری از منشآت فرهادمیرزا را توسط نشر پیکان منتشر ساخت. مبنای تصحیح طباطبائی مجد تطبیق نسخه دستنویس کتابخانه ملی تبریز و نسخه چاپ‌سنگی فرصت‌الدوله شیرازی بوده است. طباطبائی مجد علاوه بر تطبیق دو نسخه خطی و چاپ‌سنگی منشآت، در پایان هر نامه، لغات دشوار آن را نیز شرح داده است. علاوه بر این، در آغاز کتاب یک فهرست از عناوین نامه‌ها و یک مقدمه مختصر مشتمل بر معرفی نسخ مورد استفاده در تصحیح کتاب و معرفی محتوای کلی نامه‌ها و ویژگی‌های ادبی این نامه‌ها آورده است. در پایان کتاب نیز یک نامه از فرصت‌الدوله شیرازی (نامه چهل‌وهشتم) در جواب فرهادمیرزا منتشر شده و فهرست مختصری از اعلام با عنوان «فهرست راهنما» درج شده است.

علاوه بر منشآت فرهادمیرزا، کتابچه‌ای مشتمل بر یکصد و ده نامه از فرهادمیرزا خطاب به حاجی محمدباقر

اصفهانی وجود دارد، که ۸۴ نامه آن مربوط به سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۶ق؛ یعنی دوران والیگری فرهادمیرزا در فارس و حکومت حاجی باقر اصفهانی در بوشهر و ۲۶ نامه دیگر مربوط به سال ۱۲۹۸ق است؛ یعنی دورانی که فرهادمیرزا والی کردستان و باقر اصفهانی حاکم تحت نظرویی در میوان بوده است. از مجموع این ۱۱۰ نامه، ۸۴ مورد مربوط به سال‌های ۹۶-۱۲۹۴ق توسط حشمت‌اله عزیزی تصحیح و توسط نشر میراث مکتوب منتشر شده است.

با توجه به این‌که در متن منشآت فرهادمیرزا، چندین بار اسامی نام‌های گریگان‌ودشت آمده و از سوی دیگر با عنایت به این‌که نسخه‌ی موجود از منشآت فرهادمیرزا در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، قدیمی‌ترین نسخه‌ی شناخته شده است و توسط خود فرهادمیرزا نیز اصلاح شده و در اشعار ضمیمه‌ی این نسخه نیز دوباره به نام‌های دشت گریگان اشاره گردیده، بر آن شدیم تا ضمن تطبیق نسخه تصحیح طباطبائی‌مجد با نسخه‌ی مجلس، موارد مرتبط با گریگان‌ودشت را در این‌جا ذکر کرده و هم‌چنین با توجه به این‌که در پایان نسخه کتابخانه مجلس، بخشی از اشعار فرهادمیرزا نیز آمده و در اشعار وی نیز مواردی در ارتباط با منطقه گریگان‌ودشت وجود دارد، همگی را در یک‌جا گردآوری و منعکس نماییم، تا به عنوان منبعی برای پژوهشگران تاریخ محلی سرزمین گریگان و استرآباد قابل استفاده باشد.



■ نسخه دست‌نویس منشآت فرهادمیرزا در کتابخانه مجلس

بنابر قول غلامرضا طباطبائی‌مجد، نسخه دست‌نویس منشآت فرهادمیرزا موجود در کتابخانه ملی تبریز، که دارای تاریخ شعبان ۱۳۱۷ می‌باشد، تا سال ۱۳۷۰خ که این کتاب توسط طباطبائی‌مجد چاپ و منتشر شده، قدیمی‌ترین نسخه‌ی شناخته شده از منشآت فرهادمیرزا بوده است. لکن در حال حاضر در بین نسخ دست‌نویس موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، یک نسخه از منشآت فرهادمیرزا وجود دارد، که تاریخ تحریر آن سال ۱۳۰۲ق، یعنی پانزده سال قدیمی‌تر از نسخه کتابخانه ملی تبریز است. این نسخه مشتمل بر دو بخش است؛ بخش نخست: منشآت فرهادمیرزا و بخش دوم: اشعار فرهادمیرزا معتمدالدوله. هرچند در پایان بخش دوم هیچ نوع انجامه، یا مشخصات کتابت وجود ندارد، اما در انتهای بخش نخست؛ یعنی بخش منشآت، انجامه‌ای کامل آمده، که نشان می‌دهد این نسخه به دستور خود فرهادمیرزا کتابت شده، کاتب آن عبدالکریم طالقانی فشن‌دکی تفنگدار سرکاری و تاریخ کتابت نیز روز جمعه سوّم ذیقعه ۱۳۰۲ است. متن انجامه نسخه مجلس بدین ترتیب است:

«برحسب امر قضانظام قدرارتسام نواب کامیاب قمرکاب وافی‌العقل وافرالفصل عادل کامل کافل که وجود شریفش مبتغای احسان است و مستعاد مظلومان مقرب درگاه پادشاه عمّ اکرم شاهنشاه جمجاه اسلام‌پناه روح‌العالمین ابوالقضا بل ابوالکرام ابن المعالی صاحب‌الایاله الباهره معتمدالدوله العلیه القاهره طایف بیت‌اله الحرام و زائر مدینه سیدالانام حاج فرهادمیرزا ادام‌اله تعالی عمره و اجلاله‌العالی بتحریر این نسخه شریفه پرداخت کتبه العبد المذنب العاصی الفقیر الفقیر المحتاج الی ربّه الغنی عبدالکریم الطالقانی الفشن‌دکی تفنگدار سرکاری تمّه‌الکتاب فی یوم‌الجمعه ثالث شهر ذی‌القعدة الحرام فیسنه ۱۳۰۲».

از ویژگی‌های دیگر این نسخه این است که در پشت صفحه آغاز (ص ۱)، فرهادمیرزا به خط خود نوشته: «هواله تعالی اشعار و مهملات عبدالعاصی فرهاد ابن ولیعهد» و از ویژگی‌های دیگر این نسخه آن‌که در برخی موارد نیز با همین قلم که فرهادمیرزا در آغاز نسخه تحریر کرده، مواردی در داخل متن منشآت قلم‌گرفته شده و در حاشیه اصلاح شده است. در حواشی اوراق نیز توضیح لغات و اصطلاحات و اسامی آمده، که ظاهراً توضیحات خود فرهادمیرزا بوده، که به قلم شکسته کاتب تحریر یافته است.

مشخصات ظاهری نسخه‌ی یادشده بدین شرح است: نسخه دست‌نویس به خط نسخ ۱۴ سطری، عبدالکریم تفنگدار طالقانی فشن‌دکی. تاریخ تحریر: ۳ ذیقعه ۱۳۰۲. مهدی‌الیه: فرهادمیرزا معتمدالدوله. توضیحات حواشی به شکسته خوش. عناوین به شنگرف. فواصل بین جملات و ابیات و خطکشی روی عبارات به شنگرف. صفحات جدول‌کشی به زر، با تحریر لاجورد. کمداندازی به خط تحریر مشکی جُفتی. کاغذ آهارمهره نباتی‌رنگ. دو صفحه آغاز مذهب مطلقاً به نقش گل و بوته، زمینه کتیبه آغازین طلاندازی شده، پیرامون سطور دو صفحه آغاز طلاندازی آبری. ابیات داخل متن، داخل جدول مطلقاً با تحریر مشکی. حواشی متن در حفاصل بین جداول و کمندها نوشته شده‌اند. اصلاحات به قلم مشکی درشت کم‌کار

فرهادمیرزا. تعداد اوراق ۱۶۱ برگ. بخش نخست از برگ ۲ تا ۱۰۷. بخش دوم از برگ ۱۱۲ تا ۱۶۰. جلد تیماج قهوه‌ای با آستر کاغذ بنفش. قطع نسخه: رقعی (طول ۲۳ cm – عرض ۱۶ cm).

■ سرزمین گرگان و دشت در منشآت و اشعار فرهادمیرزا معتمدالدوله

نخستین بار، در متن نخستین نامه از منشآت، که البته در نسخه مجلس بلافاصله پس از دیباچه و با عنوان «آغاز داستان» شروع شده، دو عبارت «استاد گرگانی» و «گرگان زمین» آمده است. موضوع اصلی این مکتوب، ذکر حکایت به سلطنت رسیدن محمدشاه بعد از فتحعلی‌شاه قاجار است.

■ شعر استاد گرگانی

در برگ‌های ۱۲ پ و ۱۳ نسخه، ضمن بیان حکایت استیلای محمدشاه قاجار بر ری، به سرکشی و طغیان وزیر ری اشاره شده و در ادامه ضمن روایت ماجرای دستگیری وزیر ری به دستور محمدشاه قاجار، آمده است که وزیر پس از دستگیری، دو بیت از «استاد گرگانی» را زمزمه می‌کرد:

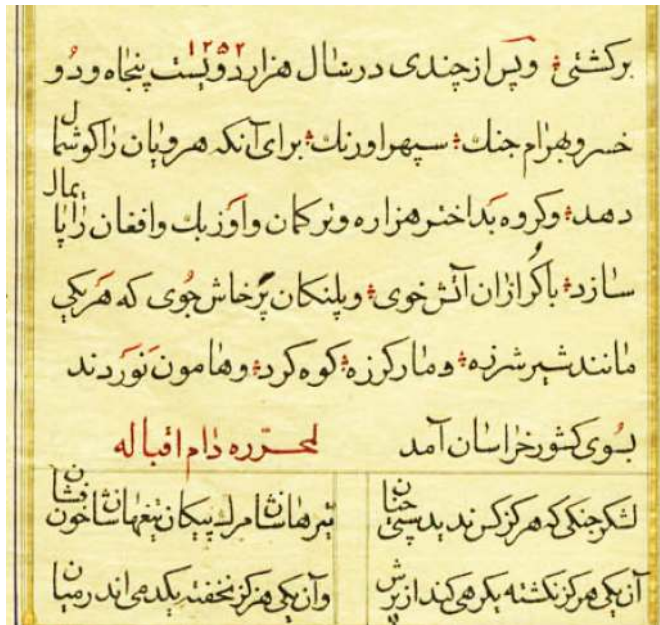
«... چون چندی برین زمان گذشت، خدیو شیرگیر به بندش آورده، به کمندش انداخت و چون دژخیم به کشتن دست گرایید، گفته‌ استاد گرگانی را که سودی نداشت می‌سرایید:

از کرده خویش پشیمانم / وز گفته‌ خویش به زندانم

رو رو که بایستاد شب‌دیزم / بس بس که فرو گسست خفتانم»^۱

مقصود از «استاد گرگانی» همان مسعود سعد سلمان است، که در برخی تذکره‌ها هم چون تذکره دولتشاه، آتشکده آذر، مجمع‌الفصحا و... او را «همدانی جرجانی» و یا به عبارتی «اصلش از همدان و منشأش از جرجان» و دوران زندگانی و فعالیت شعری او را معاصر با دوران حکمروایی «امیر عنصرالمعالی منوچهر ابن قابوس» دانسته و برخی نیز به همین مناسبت، پسر مسعود، موسوم به «سعادت» و مکنی به «ابوسعید» (ابوسعید سعادت) را نیز با پسوند گرگانی معرفی کرده‌اند. به همین اعتبار در برخی از نسخ دست‌نویس دیوان مسعود سعد، موجود در کتابخانه‌های ایران و جهان، نام شاعر مسعود سعد سلمان همدانی گرگانی یا جرجانی، ضبط شده، علاوه بر این، در نسخه چاپ‌سنگی دیوان مسعود سعد، که به کوشش ابوالقاسم تاجر کتابفروش خوانساری و به کتابت میرزا آقا کمره‌ای در سال ۱۲۹۶ ق در تهران چاپ شده، نام شاعر با عنوان «مسعود ابن سعد ابن سلمان همدانی گرگانی» درج شده است. در حالی که بنا بر قول برخی از محققین هم انتساب او به جرجان و هم هم‌عصر دانستن او با منوچهر ابن قابوس نادرست است.

لکن به نظر می‌رسد فرهادمیرزا نیز به تبعیت از برخی تذکره‌ها و یا نسخ دست‌نویس یا چاپ‌سنگی دیوان مسعود سعد، او را «استاد گرگانی» نامیده است.



■ لشکرکشی محمدشاه قاجار به چمن کالیپوش و گرگان در سال ۱۲۵۲ق

در بخش پایانی مکتوب نخست (از برگ ۱۳ تا ۱۴)، چند سطر پس از شعر «استادگرگانی» (مسعود سعد) و در انتهای حکایت غلبه‌ی محمدشاه قاجار بر حاکم و وزیر ری، به لشکرکشی محمدشاه در سال ۱۲۵۲ق، به چمن کالیپوش و سپس به گرگان اشاره شده و در این باب آمده:

«پس از چندی، در سال هزار و دو بیست و پنجاه و دو (۱۲۵۲)، خسرو بهرام جنگ^۲ سپهراورنگ برای آنکه هر یان را گوشمال دهد و گروه بد اختر هزاره و ترکمان و اوزبک و افغان را پایمال سازد، با گرازان آتش خوی و پلنگان پر خاش جوی، که هر یکی مانند شیر شریزه و مار گرزه کوه گرد و هامون نوردند، به سوی کشور خراسان آمد. لمحیره دام اقباله:

لشکر جنگی که هرگز کس نندیدستی چنان / تیرهاشان مرگ پیکان، تیغ‌هاشان خون فشان

آن یکی هرگز نگشته یک رهی گند از پرش / و آن یکی هرگز نخته یک دمی اندر میان

در چمن کله‌پوش هفتاد دخ (=فوج) سرباز جانباز و سی هزار سوار نیزه‌گداز اندر میان اوبار اماره‌گیر به‌شمار درآورد و در آن مرز و بوم یکران گردان تاختن و درفش خورشید بفش افراختن گرفت. از کله‌پوش با پلنگان شیرتوش زره‌پوش دریاخروش، که همه باده ناور را نوش کرده و نگار مرگ را در آغوش گرفته بودند، به گرگان زمین که گرگان درنده و کرگان فزغنده را به بالان درآورد، شاه گردون تخت فیروزبخت روان شد و سپهی

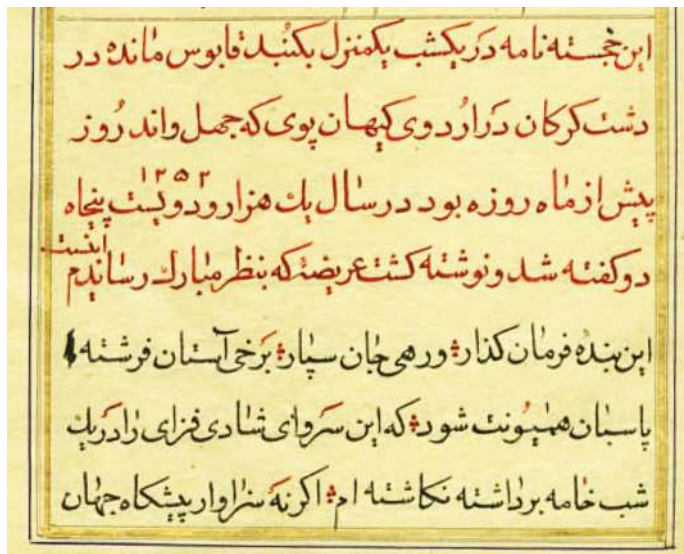
دشنه اوژن و بلارک زن، که هریکی گرد از رستم دستان و سام نریمان برده بودند، به همراهی گرمی برادر، که چون رهی فرمانبر است، به سوی کهن دز آن گروه نامزد فرمودند و آن لشکر باشکوه و فرّ آن دز را با خاک یکسان ساختند. بیت:

ز بس گُشته، آن دشت چون پُشته شد / دو صد نامور بیشتر گُشته شد
با گشاد و دل شاد برگشته، خواسته و لال به جوال آوردند، گوسپندی در آغال و در خانه شان کاجال نامند.
سخن چه سرایم که شاه جهان را شادی همرخ و پیروزی همرباب است و از جند تا باروند^۴ و از دریاکنار تا
در بندش زیر فرمان. لمحرره دام اقباله:

آفتابش شد رهی و آسمانش شد ستام / ناهدش رامشگر آمد، روزگارش شد بکام
شاهها تا جهان است، روزگارت بنده و آفتاب درفشت تابنده و زندگانی جاودانی و پاینده باد. بیت:
نبرد افروختی بی مر به شادی ساز یک چندی / که گاهی نوبت تیغ است و گاهی نوبت ساغر
نزیبد چون به جام رود بگرایی به بزم تو / بجز خورشید می پیما و جز ناهید رامشگر^۵ [پایان مکتوب نخست]

■ عریضه معتمدالدوله خطاب به ناصرالدین میرزا، که به سال ۱۲۵۲ ق در نزدیکی گنبد قابوس نگارش یافته

در برگ ۱۴ نسخه، پس از پایان مکتوب نخست، که با حکایت لشکرکشی محمدشاه به چمن کالپوش و گرگان زمین در سال ۱۲۵۲ ق خاتمه یافته، متن مکتوب دوم آغاز می شود. عنوان این مکتوب چنین است:



«این خجسته نامه در یک شب، یک منزل به گنبد قابوس مانده، در دشت گرگان، در اردوی کیهان‌پوی، که چهل‌و‌اند روز پیش از ماه روزه بود، در سال یک‌هزار و دو بیست و پنجاه و دو ۱۲۵۲ گفته شد و نوشته گشت. عریضه [ای] که به نظر مبارک رسانیدم این است.»

چنان‌که از عنوان این مکتوب مشخص است، اولاً این مکتوب در ماه رجب ۱۲۵۲ در یک منزلی گنبد قابوس واقع در دشت گرگان نوشته شده، ثانیاً باتوجه به این‌که در نامه پیشین به «لشکرکشی محمدشاه قاجار در سال ۱۲۵۲ به چمن کالپوش و گرگان‌زمین» اشاره شده و در عنوان مکتوب دوم نیز به عبارت «اردوی کیهان‌پوی» اشاره شده، بنابراین روشن است که فرهاد میرزا خود در لشکرکشی محمدشاه به دشت گرگان در سال ۱۲۵۲ ق حضور داشته است. متن مکتوب دوم چنین است:

«این بنده فرمان‌گذار، و رهی جان‌سپار، برخی (= قربان و فدا) آستان فرشته‌پاسبان همیونت شود، که این سروای شادی‌فزای را در یک شب خامه برداشته نگاهشته‌ام، اگر نه سزاوار پیشگاه جهان‌دستگاه، و درخُور خرد خُرده‌بین همیونت باشد، گنه از من است چشم آن دارم که از بخشش خسروانه و گذشت پادشاهانه، این پوزش را از این بنده درپذیرند، و بر این آهو انگشت نهند که دگر باره شاید از مهر پادشاهی به سخن اگر گرایم، بهتر سرایم.

همی چشم دارم بدین روزگار / که بخشش بیابم من از شهریار^۷ والسلام.^۸»^۹

در پی این مکتوب سه حکایت آمده، که هر سه حکایت از نظر نثر ادبی دارای ویژگی مشترک هستند؛ در حکایت نخست هیچ حرف «الف» وجود ندارد، در حکایت دوم هیچ حرف «ب» و در حکایت سوم نیز هیچ حرف «ت» وجود ندارد.

اشعار فرهاد میرزا در زمان حضور در اردوی نظامی محمدشاه قاجار، به سال ۱۲۵۲ ق، در چمن کالپوش واقع در دشت گرگان

در بخش دوم نسخه دست‌نویس کتابخانه مجلس، که شامل بخشی از اشعار فرهاد میرزا معتمدالدوله است، دو شعر آمده، که در واقع هر دو شعر دو مکتوب منظوم خطاب به محمدشاه قاجار هستند، که شاعر توسط این دو شعر طلب چیزی از شاه کرده است. این دو شعر نیز در زمان توقف اردوی شاهی در چمن کالپوش سروده شده‌اند.

■ شعر نخست

نخستین شعر، قطعه‌ایست در ۱۱ بیت، که در طلب اسب از پادشاه سروده شده و عنوان آن چنین است: «این قطعه در طلب یکران از خسرو گردون ایوان در چمن کله‌پوش گفته شده» و در حاشیه، در توضیح نام «کله‌پوش» نوشته: «که بکالپوش معروف است.»



ابیات این قطعه نیز چنین است:

فرخنده گشت بخش غزالان شوخ چشم / تا شهریار خواست بعزم شکار، اسب
 خورشید شد سوار بدین خنگ نیلگون / یا شاه شد سوار، به دریا گذار اسب
 شاها به تیغ بستان امروز قندهار / فردا هزار اسب و ترا صد هزار اسب
 خورشید تیره گردد از گرد کارزار / گردان به زین چو آرند هامون سپار اسب
 آرند از گروه بد اختر سپاهیان / گوهر به کیل و زر به من و بشمار اسب
 بشکسته شد رکابش و بگسسته شد عنانش / آن کو بتاخت زی تو در کارزار اسب
 عدلت چنان بود که گند پاس اسب، شیر / وز پاس او بگردد در مرغزار، اسب
 در شعر، اسب گشت ردیف، از برای آنک / کز بهر جنگ بخشدمی شهریار اسب
 کش در نبردگاه به هنگام گیرودار / هم آیدم به کار سنان هم به کار اسب
 گر اسب نبودم چه نماید سنان بجنگ / گر نبودم سنان چه کند صد قطار اسب
 تا هست چرخ، شاها بادت هلال نعل / خورشید زین مجزه عنان روزگار اسب^۱

■ شعر دوم

دومین شعر یک رباعی است، که در طلب آلاچیق از شاه، سروده شده و عنوان آن چنین است: «در چمن کله پوش در طلب الاچوق گفته شده».

ابیات این رباعی نیز چنین است:

ای شاه! ظفر قرین مُنْجُوق تو باد / هر چیز که دلخواه تو، مرزوق تو باد
 پیوسته مرا مرکب بیکران تو کشت / همواره مرا خیمه الاچُوق تو باد^۲

پانویس‌ها

- ۱- نسخه مجلس. برگ ۱۲ پ و ۱۳؛ تصحیح طباطبائی. ص ۲۱.
- ۲- تصحیح طباطبائی: «... بهرام چنگ (...». «...».
- ۳- تصحیح طباطبائی: «(که صد نامور ...». «...».
- ۴- تصحیح طباطبائی: «از جند تا بار و...». «...».
- ۵- منشآت فرهادمیرزا. مجلس ۸۶۳۵. برگ ۱۳ پ تا ۱۴ ا.
- ۶- تصحیح طباطبائی: «(که از من است ...». «...».
- ۷- طباطبائی: «... بیایم من از کردگار!»؛ فرصت الدوله: «... بیایم من از روزگار».
- ۸- عبارت «والسلام» به خط فرهادمیرزا در انتهای بیت اضافه شده است.
- ۹- منشآت فرهادمیرزا. مجلس ۸۶۳۵. برگ ۱۴ ا تا ۱۴ پ.
- ۱۰- همان. برگ ۱۳۲ پ تا ۱۳۳ ا.
- ۱۱- همان. برگ ۱۳۹ پ.

منابع

- حسینی، میرتقی. ۱۳۸۴. فرهنگنامه مفاخر استرآباد و جرجان (استان گلستان)، ج: ۱؛ شعرا. گرگان: پیک ریحان.
- سالور، مسعود. ۱۳۶۷. عبدالصمدمیرزا عزالدوله سالور و دو سفرنامه او به اروپا در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۳۰۰. تهران: نامک. ص ۹.
- عزیزی، حشمت‌اله. ۱۴۰۳. نامه‌های فرهادمیرزا معتمدالدوله (حاکم فارس) به حاجی محمدباقر اصفهانی (حاکم بوشهر). تهران: میراث مکتوب.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۰۲ق. منشآت و اشعار (اشعار و مهملات) فرهادمیرزا معتمدالدوله. نسخه دستنویس. به دستور فرهادمیرزا معتمدالدوله. به خط عبدالکریم طالقانی فشندکی. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ۸۶۳۵.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۱۷ق. منشآت فرهادمیرزا معتمدالدوله. نسخه دستنویس. به دستور مشیرالسلطنه. به خط عبدالله ابن میرزا کوچک شیرازی. کتابخانه ملی تبریز. شماره ۲۷۷۱.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۱۸ق. منشآت فرهادمیرزا معتمدالدوله. نسخه چاپ‌سنگی. بمبئی هند: چاپ مطبعه ناصری.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۲۱ق. منشآت فرهادمیرزا معتمدالدوله. نسخه چاپ‌سنگی. بمبئی هند: چاپ مطبعه ناصری.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۶۶. سفرنامه فرهادمیرزا. به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: علمی.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۶۶. سفرنامه فرهادمیرزا. به کوشش اسماعیل نواب‌صفا. تهران: زوّار.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۶۷. زنبیل. تهران: پدیده (کلاله خاور).
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۶۹. منشآت فرهادمیرزا معتمدالدوله. به تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد.
- معتمدالدوله، فرهادمیرزا. ۱۳۸۳. به تصحیح اسماعیل نواب‌صفا. تهران: پیکان.